

حقیقت، پس از «جریان»
واکنش سریع القلم به صداوسیماتهدید مکرون در دمشق
سفر رئیس جمهور فرانسه به سوریهتوزیع استانی فقر
بررسی نسبت بیکاری و تورم در استان هامرگ کولبران
بررسی بن‌بست‌های پدیده کولبری

شب حذف اسطوره

درباره رونالدو و جامی که هرگز نتوانست بگیرد
آیا عصر قهرمانان تنها به پایان رسیده است؟

امید ذاکری‌نیا

گروه فرهنگ

در آستانه جام جهانی ۲۰۱۰ شرکت نایکی، گروهی از ستاره‌های تراز اول فوتبال مانند وین رونی، دیدیه دروگبا، رونالدینیو، فابیو کاناوارو، فرانک ریبیری و کریستیانو رونالدو را برای یک کمپین تبلیغاتی با عنوان «آینده را بنویس» گردهم آورد. ایده این تبلیغ فوق‌العاده بود؛ ۶ تن از بزرگ‌ترین ستاره‌های فوتبال در صحنه‌هایی ظاهر می‌شدند که القا می‌کردند، سرنوشت حرفه‌ای و زندگی آنها قرار است با عملکردشان در جام جهانی پیش‌رو در آفریقای جنوبی رقم بخورد. در این فیلم کریستیانو رونالدو درحالی به تصویر کشیده می‌شد که بالای یک ضربه آزاد ایستاده و آینده‌ای را تصور می‌کند که اگر پرتغال را به افتخار و قهرمانی برساند، اینها انتظارش را خواهند کشید: بریدن روبان افتتاح ورزشگاه کریستیانو رونالدو، حضور افتخاری در مجموعه انیمیشنی سیمپسون‌ها (جایی که هومر می‌گوید: «رونال... اود!»)، ساخت مجسمه‌ای عظیم به افتخار او و هوادارانی شیفته که هنگام ورودش به مراسم افتتاحیه فیلم «رونالدو» (که گائل گارسیا برنال، نقش اصلی آن را بازی می‌کند) نامش را فریاد می‌زنند. تصویر درست در لحظه‌ای قطع می‌شود که رونالدو به توپ ضربه می‌زند؛ بنابراین هرگز نمی‌بینیم در ذهن کارگردان قرار بوده چه اتفاقی بیفتد.

نقاط درخشان

ضربه پنالتی سرنوشت‌سازی که در ضربات پنالتی مرحله یک‌چهارم نهایی مقابل انگلیس در سال ۲۰۰۶ به گل تبدیل کرد؛ هت‌تریک مقابل اسپانیا در مرحله گروهی جام جهانی ۲۰۱۸ (که شامل یک ضربه آزاد تماشایی نیز بود)؛ دو گل مقابل ازبکستان در هیوستون، دو هفته پیش؛ و سرانجام گلی که سال‌ها انتظارش را می‌کشید؛ پنالتی مقابل کرواسی در مرحله حذفی، پنج‌شنبه گذشته. ناکامی‌ها؟ بسیار زیاد؛ تا جایی که سرانجام با شکست پرتغال مقابل اسپانیا در وقت‌های تلف شده بازی در آرلینگتون تگزاس در روز دوشنبه به اوج رسید. رونالدو روز یک‌شنبه به خبرنگاران گفته بود که این آخرین جام جهانی او خواهد بود؛ اما امیدوار بود آخرین مسابقه‌اش نباشد. در نهایت همان آخرین مسابقه‌اش شد. پس از سوت پایان، تصویری غم‌انگیز از او به‌جا ماند؛ دستانش را بر کمر گذاشته بود، آرام در زمین قدم می‌زد سپس ایستاد و به نقطه‌ای نامعلوم در دوردست خیره شد. هنگامی که برای هواداران دست می‌زد به سختی اشک‌هایش را کنترل می‌کرد. چهره مردی را داشت که حتی اگر هنوز قرارداد عظیم‌اش در عربستان سعودی را پیش‌رو داشت، احساس می‌کرد دوران حضورش در بزرگ‌ترین صحنه‌های فوتبال جهان، در ۴۱ سالگی، سرانجام به پایان رسیده است.

ادامه در صفحه ۴





سال نهم شماره ۲۲۷۳
چهارشنبه ۱۷ تیر ۱۴۰۵

میهن

بررسی رویدادهای سیاسی

سیاست

حقیقت، پس از «جریان»

واکنش محمود سریع القلم به ادعاهای خلاف واقع صداوسیما درباره خانواده‌اش



گروه سیاسی: ویدئویی از برنامه «جریان» صداوسیما که به‌تازگی در فضای مجازی دست‌به‌دست شده، حاشیه‌ای تازه برای این رسانه رقم زده است. در این برنامه که ۹ تیرماه ۱۴۰۵ روی آنتن رفت، کارشناس حاضر در برنامه ادعاهایی درباره محمود سریع‌القلم، استاد دانشگاه شهید بهشتی و اعضای خانواده او مطرح کرد؛ از اعدام دو تن از برادرانش پس از وقایع آمل گرفته تا بدهی بانکی یکی دیگر از آنان. اما این روایت چندان دوام نیاورد و ساعتی بعد مشخص شد، ادعاهای مطرح شده با واقعیت مطابقت ندارد. در این برنامه، کارشناس مدعی شد دو تن از برادران محمود سریع‌القلم با نام‌های «فرید» و «وحید» پس از وقایع آمل اعدام شده‌اند و برادر دیگری نیز دارای بدهی بانکی است. این سخنان به‌سرعت در فضای مجازی بازنشر شد اما هم پیگیری رسانه‌ها نشان داد که اساس این روایت نادرست است و هم محمود سریع‌القلم اعلام کرد که اساساً برادرانی با نام‌های فرید و وحید ندارد و ادعاهای مطرح شده درباره خانواده او فاقد صحت است. همچنین برخلاف آنچه در برنامه عنوان شد، اصالت خانوادگی سریع‌القلم آذری است و نه مازندرانی.

انتشار این مطالب، واکنش گسترده دانشگاهیان، دانشجویان، پژوهشگران و فعالان رسانه‌ای را به‌نبال داشت تا جایی که گروهی از دانشجویان و علاقه‌مندان به آثار و اندیشه‌های این استاد دانشگاه با راه‌اندازی کارزاری در فضای مجازی، خواستار عذرخواهی برنامه «جریان» و اصلاح ادعاهای مطرح شده، شدند. بسیاری از کاربران هم این اتفاق را نمونه‌ای از لزوم راستی‌آزمایی اطلاعات پیش از طرح اتهام در رسانه‌های عمومی دانستند. در پی این حمایت‌ها، محمود سریع‌القلم با انتشار اطلاعیه‌ای از همراهی اقشار مختلف جامعه قدرانی و اعلام کرد که شکایت حقوقی از عوامل برنامه «جریان» به زودی ثبت خواهد شد. او در این بیانیه نوشت: «بدین‌وسیله از حمایت بزرگوارانه اقشار مختلف فرهیخته در سراسر کشور ازجمله اساتید دانشگاه، متخصصین، مهندسین، پزشکان، کارآفرینان، دانشجویان، نویسندگان، خبرنگاران و به‌ویژه وکلایی که آمادگی خود را برای پیگیری دعاوی حقوقی به‌صورت داوطلبانه مبذول داشتند، تشکر می‌کنم. از کارزار حمایتی‌ای که دانشجویان گرامی به راه انداختند و اینجانب را شرمند کردند، صمیمانه سپاسگزارم. برخی از ایشان ۳۸ سال پیش دانشجوی بنده بودند. اهتمام این هم‌میهنان در راستای دفاع از آزادی بیان، اخلاق مدنی، دفاع از دانشگاه و فکر مستقل از رانت، قابل تحسین و قدردانی است. از این فرصت استفاده کرده و از پدر و مادر خود که عمری را در سلامت نفس، سلامت مال و امور خیریه گذراندند، بابت مطالب کذب عوامل برنامه «جریان» صداوسیما، عذرخواهی می‌کنم. به زودی، شکایت از عوامل برنامه «جریان» ثبت خواهد شد. با احترام». محمود سریع‌القلم از شناخته‌شده‌ترین استادان حوزه روابط بین‌الملل و سیاست خارجی در ایران است. او ریاست پژوهشکده مطالعات استراتژیک خاورمیانه را در کارنامه خود دارد و سال‌هاست به‌عنوان عضو هیأت علمی دانشگاه شهید بهشتی در حوزه سیاست خارجی ایران، مسائل خاورمیانه و روابط بین‌الملل تدریس و پژوهش می‌کند. عضویت در انجمن مطالعات بین‌الملل آمریکا، حضور در شورای دستورکار جهانی مجمع جهانی اقتصاد در سوئیس و همکاری به‌عنوان استاد غیرمقیم دانشگاه اقتصاد و روابط بین‌الملل ASERI ایتالیا نیز ازجمله سوابق علمی او به‌شمار می‌رود. این اولین بار نیست که طرح اطلاعات نادرست در یکی از برنامه‌های صداوسیما خبرساز می‌شود. رسانه ملی به‌ویژه در سال‌های اخیر، بارها به دلیل انتشار برخی ادعاها و خطاهای خبری با انتقادهای روبه‌رو شده است. این بار هم مطرح شدن ادعاهای خلاف واقع درباره محمود سریع‌القلم و خانواده‌اش، دوباره بحث مسئولیت رسانه‌ها در انتشار اطلاعات را به‌ویژه زمانی که پای اعتبار و حیثیت افراد در میان است، برجسته کرده است. از منظر حقوقی نیز انتشار مطالب خلاف واقع درباره اشخاص، می‌تواند مشمول پیگیری قضایی باشد و رسانه‌ها موظفند پیش از طرح چنین ادعاهایی از صحت اطلاعات اطمینان حاصل کنند. اکنون با اعلام رسمی محمود سریع‌القلم مبنی بر ثبت شکایت باید دید این پرونده چه مسیری را در مراجع قضایی طی خواهد کرد و آیا برنامه «جریان» یا صداوسیما نسبت به ادعاهای مطرح شده، توضیح یا عذرخواهی رسمی ارائه خواهند کرد یا خیر.

آخرین تشرّف

پیکر رهبر شهید انقلاب در قم تشییع شد



مراسم حضور داشتند. گروهی نیز با نواختن سازهای آیینی ویژه سوگواری، حال‌وهوایی آکنده از حزن و اندوه به مراسم بخششیده بودند و جلوه‌ای از همبستگی و وحدت اقوام ایرانی را به نمایش گذاشتند.

در کنار آنان، طلاب غیرایرانی از کشورهای مختلف نیز با در دست داشتن پرچم‌های ملی خود در آئین تشییع شرکت کرده بودند. حضور پرشمار این طلاب، بازتابی از گستره فرامرزی این سوگواری بود و نشان می‌داد که این اندوه تنها به مرزهای ایران محدود نیست.

یکی دیگر از جلوه‌های قابل‌توجه مراسم، حضور گسترده نوجوانان و جوانان متولد دهه‌های ۷۰، ۸۰ و ۹۰ بود. نسلی که بخش مهمی از دوران کودکی و نوجوانی خود را در سال‌های رهبری رهبر شهید سپری کرده بود، در کنار نسل نخست انقلاب و پیشکسوتان در آئین وداع حضور یافت و تصویری از پیوستگی نسل‌ها و تداوم آرمان‌ها را به نمایش گذاشت. حضور جمعی از علما و مراجع حوزه علمیه قم در کنار مردم نیز از دیگر ویژگی‌های مراسم بود و جلوه‌ای از همبستگی حوزه و جامعه را به نمایش گذاشت. برخی از علما در حاشیه مراسم، خدمات و نقش رهبر شهید در هدایت انقلاب اسلامی و حمایت از آرمان‌های دینی و ملی را مورد تأکید قرار دادند.

روایت وحدت در بدرقه رهبر شهید

در طول مراسم نیز فضای شهر به‌طور کامل تحت‌تأثیر این رویداد قرار داشت. بسیاری از مغازه‌ها و مراکز خدماتی در مسیر تشییع با نصب پارچه‌های مشکی و پیام‌های تسلیت در غم عمومی مردم سهیم بودند. همچنین مراسم عزاداری و قرائت قرآن در برخی مساجد و هیأت‌های مذهبی شهر برگزار شد. بسیاری از شرکت‌کنندگان، حضور در این مراسم را ادای

تهدید مکرون در دمشق

رئیس‌جمهور فرانسه پس از ۲۰ سال به سوریه رفت

گروه بین‌الملل: پاریس پس از سال‌ها تماشای تحولات سوریه از فاصله‌ای امن اکنون تصمیم گرفته دوباره به قلب معادلات دمشق بازگردد. سفر امانوئل مکرون، رئیس‌جمهور فرانسه، به سوریه در ژوئیه ۲۰۲۶ تنها یک دیدار دیپلماتیک معمولی نیست؛ بلکه نمادی از تغییر بزرگ در سیاست غرب نسبت به سوریه پس از سقوط حکومت بشار اسد است. این نخستین‌بار از زمان فروپاشی نظام اسد در دسامبر ۲۰۲۴ است که یکی از رهبران اصلی غرب پا به دمشق می‌گذارد؛ اقدامی که نشان می‌دهد، اروپا دیگر نمی‌خواهد صرفاً نظاره‌گر آینده سوریه باشد و قصد دارد، سهم خود را در شکل‌دهی نظم جدید این کشور مطالبه کند.

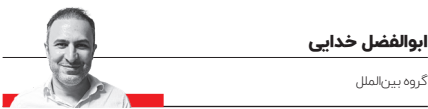
در مرکز این تحول، احمد الشریع قرار دارد؛ چهره‌ای که زمانی فرمانده یکی از مهم‌ترین گروه‌های مخالف مسلح بود و اکنون در قامت رئیس دولت انتقالی سوریه میزبان رهبر یکی از قدرتمندترین کشورهای اروپایی شده است. همین تصویر به‌خوبی نشان می‌دهد که معادلات سوریه تا چه اندازه دگرگون شده است. فرانسه نیز با پذیرش این واقعیت، مسیر عمل‌گرایی را برگزیده و تلاش می‌کند به‌جای پافشاری بر اختلافات گذشته، جایگاه خود را در آینده سیاسی و اقتصادی سوریه تثبیت کند.

اما این آغاز تازه، تنها چند ساعت پس از ورود مکرون با

آمریکا

چالش ناتو

سفر ترامپ به ترکیه برای شرکت در اجلاس ناتو توجهات را به اختلافات اروپا و آمریکا معطوف کرد



ابوالفضل خدایی

گروه بین‌الملل

سی‌وششمین اجلاس ناتو در آنکارا بیش از آنکه یک نشست راهبردی باشد به جلسه‌ای برای مدیریت بحران شباهت دارد. بحرانی که این بار نه از مسکو، یکن یا خاورمیانه بلکه از درون مهم‌ترین عضو این پیمان یعنی ایالات متحده سرچشمه می‌گیرد. بازگشت دونالد ترامپ به کاخ سفید، معادلات سنتی روابط فرآتلانتیکی را دگرگون کرده و اکنون اروپا بیش از هر زمان دیگری با این پرسش روبه‌روست که آیا آمریکا همچنان ضامن امنیت این قاره خواهد ماند یا خیر؟ اجلاس آنکارا در شرایطی برگزار می‌شود که فضای امنیتی جهان پس از جنگ ۴۰ روزه آمریکا و اسرائیل علیه ایران بیش از هر زمان دیگری شکننده شده است. در چنین شرایطی رهبران ناتو دیگر صرفاً درباره توسعه توان دفاعی یا گسترش این ائتلاف گفت‌وگو نمی‌کنند بلکه در تلاش هستند شکافی را ترمیم کنند که در قلب روابط واشنگتن و متحان اروپایی شکل گرفته است.

ترامپ؛ چالش اصلی ناتو

اگر در دهه‌های گذشته، تهدیدهای خارجی عامل اصلی انسجام ناتو بودند امروز شخصیت و رویکرد رئیس‌جمهور آمریکا به مهم‌ترین متغیر آینده این پیمان تبدیل شده است. ترامپ برخلاف روسای‌جمهور پیشین آمریکا، اتحادهای سنتی را نه بر پایه ارزش‌های مشترک بلکه براساس میزان منفعت اقتصادی و سیاسی واشنگتن ارزیابی می‌کند. از همین‌رو دیگر افزایش بودجه دفاعی اعضا به تنهایی برای جلب رضایت کاخ سفید کافی نیست.

پیام تازه ترامپ برای متحدها اروپایی روشن است: «وفاداری» اهمیت بیشتری از میزان هزینه‌های نظامی دارد. این تغییر نگاه، پیامد مستقیمی از اختلافات آمریکا با کشورهای اروپایی در جریان جنگ علیه ایران است؛ جنگی که بسیاری از دولت‌های اروپایی از همراهی مستقیم با آن خودداری کردند و همین مسئله خشم واشنگتن را برانگیخت. در چنین فضایی حتی افزایش بی‌سابقه بودجه‌های دفاعی اروپا نیز نتوانسته، نگرانی‌های کاخ سفید را برطرف کند. انتقاد صریح ترامپ از بودجه دفاعی آلمان تنها نمونه‌ای از شکاف عمیق سیاسی میان دو سوی آتلانتیک است؛ شکافی که نشان می‌دهد، اختلافات دیگر صرفاً مالی نیست بلکه به سطح اعتماد راهبردی رسیده است.



پرونده پیچیده کردهای سوریه نیز نقش میانجی را ایفا کند و میان منافع دمشق، کردها و ترکیه تعادل برقرار سازد.

در کنار اهداف امنیتی، اقتصاد شاید مهم‌ترین انگیزه سفر مکرون باشد. رئیس‌جمهور فرانسه با هیأتی از مدیران بزرگ‌ترین شرکت‌های فرانسوی وارد دمشق شد تا سهمی قابل توجه از بازار بازسازی سوریه را به‌دست آورد. توافقات گسترده در حوزه حمل‌ونقل، هوانوردی، زیرساخت، بهداشت، بازسازی بیمارستان‌ها، توسعه بندر لاذقیه، اصلاح ساختار بانک مرکزی و احیای تأسیسات آب، تنها بخشی از قراردادهایی است که میان دو طرف امضا شد. این توافقات نشان می‌دهد، پاریس نمی‌خواهد میدان بازسازی سوریه را به رقبایی مانند عربستان سعودی یا ترکیه واگذار کند و قصد دارد از نفوذ اقتصادی به‌عنوان ابزاری برای تثبیت جایگاه سیاسی خود بهره ببرد.

سفر مکرون در واقع آغاز فصل تازه‌ای از حضور اروپا در سوریه است؛ فصلی که موفقیت یا شکست آن در گرو توان دولت سوریه، برای برقراری صلح و امنیت در سوریه، جذب سرمایه‌گذاری خارجی و بازتعریف دقیق روابط سیاسی، اقتصادی و فرهنگی است.

دیپلماسی

تشییع پیکر رهبر شهید در عراق

عراق تعطیل شد

پیکر مطهر رهبر شهید انقلاب برای مراسم تشییع وارد شهر نجف در عراق شد. پیکر مطهر رهبر شهید انقلاب از ساعت ۶ صبح در نجف تشییع خواهد شد و بعدازظهر وارد کربلا می‌شود. پس از ورود پیکر مطهر رهبر شهید به شهر کربلا، مراسم تشییع در خیابان‌های منتهی به حرم مطهر امام حسین(ع) و حضرت ابوالفضل العباس(ع) برگزار خواهد شد.

شهرهای مختلف عراق و چندین استان این کشور از سوی دولت عراق و استانداری‌ها به‌منظور برگزاری باشکوه مراسم تشییع رهبر شهید تعطیل شده‌اند. در همین راستا علی فالح الزیدی، نخست‌وزیر عراق، دستور تعطیلی رسمی ادارات و مراکز دولتی این کشور را برای چهارشنبه (امروز) صادر کرد. مردم عراق نیز آمادگی خود را برای حضور در این مراسم اعلام کرده‌اند. تدابیر گسترده‌ای از سوی نهادهای خدمات‌رسان، نیروهای مردمی و دولت عراق برای برگزاری این مراسم اندیشیده شده است. در همین حال حجت‌الاسلام‌المسلمین حمید احمدی، رئیس کمیته فرهنگی و آموزشی ستاد مرکزی اربعین و عضو بعثه مقام معظم رهبری در گفت‌وگو با ایسنا درباره چرایی تشییع پیکر رهبر شهید در عراق، توضیح داد: تقاضای زیادی از سوی عشایر، مردم و علمای بزرگ عراق مطرح شد که پیکر مطهر قائد شهید به عراق انتقال داده شود. ایشان به‌عنوان مرجع تقلید، مقلدان زیادی در عراق داشتند و به‌عنوان رهبر معنوی در کشورهای اسلامی، شخصیتی بانفوذ هستند. این تقاضا از سوی ستاد تشییع پذیرفته شد و اتفاق خوبی هم بود. از سوی مسئولان و ستاد برگزاری تشییع در ایران با دوستان عراقی، نیروهای امنیتی و دولت محترم این کشور هماهنگی‌های بسیار خوبی انجام شد. نخست‌وزیر عراق، رئیس دفتر خود را مسئول هماهنگی این کار قرار داد و برنامه‌ریزی خوبی با مسئولیت سفیر ایران در این کشور و دیگر بخش‌های دست‌اندرکار با هماهنگی ستاد برگزاری تشییع در ایران صورت گرفت.



در نگاه فرانسه، حمایت از دولت احمد الشریع صرفاً یک انتخاب سیاسی نیست بلکه بخشی از راهبردی گسترده‌تر برای جلوگیری از بازگشت افراط‌گرایی، مهار موج‌های مهاجرت و ایجاد ثبات در شرق مدیترانه است. پاریس امیدوار است، دولت جدید سوریه بتواند با فاصله گرفتن از گذشته و تشکیل ساختاری فراگیر، امنیت اقلیت‌های مذهبی و قومی را تضمین کند؛ موضوعی که در دیدار نمایان مکرون و الشریع از مسجد تاریخی اموی دمشق نیز مورد تأکید قرار گرفت. این پیام برای اروپا اهمیت زیادی دارد زیرا نگرانی درباره تش‌های فرقه‌ای پس از سقوط حکومت اسد همچنان بابرجاست.

همزمان همکاری‌های امنیتی بخش مهمی از دستور کار این سفر را تشکیل می‌داد. پیوستن رسمی سوریه به ائتلاف بین‌المللی مبارزه با داعش، فرصت تازه‌ای برای گسترش همکاری اطلاعاتی میان دمشق و پاریس ایجاد کرده است. فرانسه علاوه بر مقابله با هسته‌های باقی‌مانده داعش به‌دنبال تعیین‌تکلیف شهروندان فرانسوی است که طی سال‌های گذشته به گروه‌های تندرو پیوسته و اکنون در اردوگاه‌ها و زندان‌های سوریه نگهداری می‌شوند. همچنین پاریس می‌کوشد در

بارها موجب اختلاف با متحدها غربی شده اما اکنون به مزیتی راهبردی تبدیل شده است. آنکارا می‌تواند همزمان با حفظ ارتباط نزدیک با واشنگتن، کانال گفت‌وگو با سایر اعضای ناتو را نیز باز نگه دارد. در مقابل، ترکیه نیز از این فرصت برای پیشبرد مطالبات خود بهره می‌گیرد. تلاش برای بازگشت به پروژه جنگنده‌های F-۳۵ و رفع محدودیت همکاری‌های دفاعی با غرب از مهم‌ترین اهداف اردوغان در حاشیه این اجلاس است.

پرونده ایران

هرچند اختلافات داخلی ناتو محور اصلی نشست آنکارا است اما تحولات خلیج فارس و پیامدهای جنگ علیه ایران نیز بخش مهمی از دستور کار اجلاس را تشکیل می‌دهد. جنگ ۴۰ روزه نه‌تنها موازنه‌های منطقه‌ای را تغییر داده بلکه امنیت انرژی جهان را به یکی از دغدغه‌های اصلی کشورهای غربی تبدیل کرده است. ترامپ نیز در دیدار با اردوغان اعلام کرد که در مورد موضوع ایران با رئیس‌جمهور ترکیه صحبت خواهد کرد. برگزاری نشست مشترک وزرای خارجه ناتو و کشورهای عربی حاشیه خلیج فارس درباره آینده تنگه هرمز نشان می‌دهد که این آبراه همچنان یکی از مهم‌ترین گره‌های امنیت بین‌المللی است. پیشنهاد فرانسه و انگلیس برای تشکیل مأموریت دریایی چندملیتی در هرمز و حمایت شماری از کشورهای عربی از بازگشت کامل تردد دریایی به شرایط پیش از جنگ درحالی مطرح شده که ایران این ابتکارات را سیاسی، گزینشی و فاقد مبنای حقوقی دانسته و نسبت به تبدیل نهادهای تخصصی بین‌المللی به ابزار فشار سیاسی هشدار داده است. در واقع پرونده ایران تنها یک موضوع منطقه‌ای نیست؛ بلکه به یکی از عوامل تعیین‌کننده در روابط درون ناتو تبدیل شده است. اختلاف‌نظر درباره نحوه مواجهه با تهران، میزان مشارکت در عملیات نظامی و آینده امنیت خلیج فارس همان شکافی را آشکار کرده که امروز میان آمریکا و

متحدها اروپایی دیده می‌شود.

آینده ناتو

اجلاس آنکارا احتمالاً به دلیل تصویب راهبردهای جدید یا تصمیمات تاریخی در حافظه ناتو باقی نخواهد ماند. اهمیت این نشست در آن است که نشان می‌دهد، بزرگ‌ترین چالش این ائتلاف دیگر تهدیدهای خارجی نیست بلکه نحوه مدیریت اختلافات درونی و حفظ اعتماد میان اعضاست. اروپا امیدوار است با افزایش هزینه‌های دفاعی، واشنگتن بتواند تعهد آمریکا به امنیت این قاره را حفظ کند. اما پرسش اساسی همچنان بی‌پاسخ مانده است: آیا ناتویی که روابط اعضایش بیش از آنکه بر ارزش‌های مشترک استوار باشد بر مبنای معامله و موازنه منافع اداره می‌شود، می‌تواند انسجام تاریخی خود را حفظ کند یا ائتلاف‌های جدید و حرکت به سمت استقلال از آمریکا در نهایت چاره‌ساز خواهد بود.



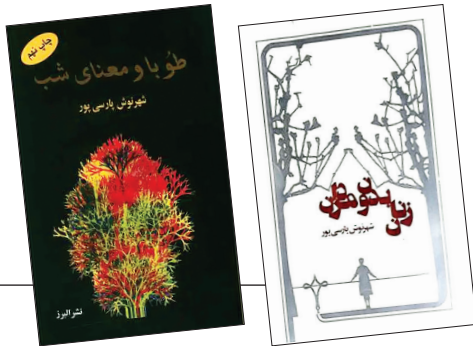
سرنوشت نویسنده

نگاهی به آثار شهرنوش پارسی‌پور



شهرنوش پارسی‌پور که جمعه ۱۲ تیر در سانفرانسیسکو درگذشت، سال ۱۳۴۱ اولین اثر داستانی‌اش در مجلهٔ هفته‌گی «اطلاعات بانوان» منتشر شد و تبدیل به نقطهٔ آغازی بر انتشار دیگر آثار او در مجله‌های مختلف مانند «فردوسی»، «جنگ اصفهان»، «کپهان سال»، «کتاب جمعه» و... شد. سال ۱۳۵۱ انتشارات کانون پرورش فکری کودکان و نوجوانان، داستان تازه‌ای از شهرنوش پارسی‌پور با عنوان «توپیک قرمز» را منتشر کرد و سال ۱۳۵۵، اولین رمان این نویسنده با نام «سگ و زمستان بلند» منتشر شد. پیوند بین شخصیت‌های داستان «سگ و زمستان بلند» با اوضاع و حوادث سیاسی زمانه روایت پرکششی را ایجاد کرده است. با وجود اینکه شخصیت اصلی داستان حوری است، دختری از خانوادهٔ معمولی که زیر سلطهٔ پدر دیکتاتورش است و باعث شده دختر از زندگی سالم دور نگه داشته شود، اما نقش حسین، برادر حوری بسیار پررنگ‌تر است و نسبت به خواهر نمود بیشتری دارد، چراکه در واقع حسین قربانی سلطه‌گری جامعه و بعد پدرش می‌شود. حسین با دیگران متفاوت و روشن‌فکر است و حرف‌هایش تأثیر زیادی روی حوری دارد. پارسی‌پور این رمان را براساس فضای پر خفقان دههٔ ۵۰ روایت کرده و با زبان زنانه گریزی زده به مسائل روانی شخصیت‌ها. مدتی بعد از انتشار «سگ و زمستان بلند»، از مجموعه داستان‌های «تجربه‌های آزاد» و «آویزهای بلور» او رونمایی شد. «تجربه‌های آزاد» در مرز میان روایت ادبی، خودکاوی ذهنی و تأملات اجتماعی حرکت می‌کند و بیش از آن‌که صرفاً اثری داستانی باشد، بستری برای بازنمایی تجربه‌های زیسته، درونی و فرهنگی است. در این اثر، تجربه نه به‌عنوان رویدادی ساده و بیرونی، بلکه به‌عنوان پدیده‌ای پیچیده، چندلایه و شکل‌دهنده به هویت انسانی بررسی می‌شود. نویسنده با نگاهی درون‌نگر و در عین حال اجتماعی، سعی دارد پیوند میان زندگی فردی و ساختارهای گسترده‌تر فرهنگی و تاریخی را نشان دهد. «آویزهای بلور» هم شامل ۱۲ داستان کوتاه است. نویسنده روایت را به شکل دانای کل بیان می‌کند و با شوک انتهای هر داستان، روند داستان‌سرایی را می‌شکند و خواننده را با یک پایان غیرمنتظره روبه‌رو می‌کند.

سال ۱۳۶۲، هنگامی که پارسی‌پور در زندان به‌سر می‌برد، نوشتن رمان «طوبا و معنای شب» را آغاز کرد. مدتی بعد از آزادی از زندان، او دست‌نوشته‌های این رمان را به آتش کشید، اما دوباره تغییر عقیده داد و نوشتن آن را از سر گرفت. «طوبا و معنای شب» برای اولین بار در خرداد ۱۳۶۸ منتشر شد و با چنان استقبالی مواجه شد که طی ۶ ماه به چاپ سوم رسید. پارسی‌پور در این رمان، از زندگی دختری به اسم طوبا می‌گوید که در اواخر دوران قاجار و اوایل حکومت پهلوی زندگی می‌کند. پدر طوبا مردی فرهیخته است و برخلاف رسم آن دوران، دخترش را اهل دانش و ادب بار می‌آورد. اما طوبا خیلی زود پدر خود را از دست می‌دهد و بعد از آن، زندگی‌اش دست‌خوش تغییرات بسیاری می‌شود. این رمان با نگاهی عمیق به موضوعات آزادی، هویت و تغییر اجتماعی، از آثار برجستهٔ پارسی‌پور محسوب می‌شود که به دلیل تقد‌های اجتماعی‌اش به‌شدت مورد توجه قرار گرفت. این کتاب به آلمانی و ایتالیایی ترجمه شده و ترجمهٔ انگلیسی آن نیز منتشر شده است. یکی دیگر از کتاب‌های شاخص شهرنوش پارسی‌پور، مجموعه داستان «زنان بدون مردان» است که داستان‌های آن را در طی سال‌های ۱۳۵۳ تا ۱۳۵۶ نوشته بود اما به‌سبب رویدادهای اجتماعی و تاریخی کشور، چاپ آن تا مدت‌ها به تعویق افتاده بود. تا اینکه نهایتاً در سال ۱۳۶۹ منتشر شد. نویسنده در این اثر، ۵ داستان از زندگی ۵ زن متفاوت را در روزهای بعد از اتفاقات ۲۸ مرداد ۱۳۳۲ روایت می‌کند. روایت‌هایی که علاوه بر شرح اوضاع سیاسی جامعه، شرایط زیستی و جایگاه اجتماعی زنان در آن دوران را نیز به تصویر می‌کشند. شیرین نشاط از این کتاب اقتباسی سینمایی ساخت که سال ۲۰۰۹ اکران شد و به خاطر آن شیر نقره‌ای بهترین کارگردانی شصت‌وششمین جشنوارهٔ فیلم ونیز را کسب کرد. پارسی‌پور دربارهٔ اهمیت دو کتاب «طوبا و معنای شب» و «زنان بدون مردان» گفته: «طوبی و معنای شب شناسنامه من است و زنان بدون مردان سرنوشت من را تعیین کرد». «شیوا» که پرچم‌ترین اثر شهرنوش پارسی‌پور است، کششی شگفت‌انگیز در خواننده ایجاد می‌کند. پارسی‌پور در مصاحبه‌ای گفته عنوان کتاب را با اشاره به خدای هندو انتخاب کرده است. در این داستان، منوچهر از تهران با نویسندهٔ داستان در برکلی تماس می‌گیرد و با استفاده از یک دستگاه خاص که به‌طور عجیبی قادر است موقعیت جغرافیایی افراد را دقیقاً پیدا کند، در عرض چند دقیقه به اتاق نویسنده در ایالات متحده وارد می‌شود. این ملاقات باعث آغاز سفر زمانی شگفت‌انگیز در تاریخ می‌شود و شخصیت‌های تاریخی مختلف از مارکس گرفته تا امیرحسین دهلوی در این سفر به نویسنده معرفی می‌شوند.



جامع ادب قدیم و جدید

روایت احمد مسجدجامعی از شخصیت فرهنگی و ادبی رهبر شهید انقلاب

نرده است، به حیاط می‌رسد. اتاق‌ها با پنجره‌های سراسری رو به حیاط باز می‌شوند، قدیم‌ترها تابستان‌ها در بالکن فرش پهن می‌کردند، پتو و پشتمی می‌گذاشتند، می‌نشستند چای می‌خوردند و از مهمان پذیرایی می‌کردند». مسجدجامعی در توضیح درباره بخش‌های مختلف منزل رهبر شهید در مشهد، گفت: وقتی وارد آن ساختمان می‌شویم، آشپزخانه و طرف دیگر کتاب‌خانه قرار دارد. وسایلی از جمله یخچال، چراغ گاز، آبمیوه‌گیری برقی در آشپزخانه است، چرخ خیاطی پدالی است نه برقی، زیراندازها فرش نیست اما خوب است. خانهٔ زیرزمینی با حوض زیبا دارد، در آن زمان خانه‌ها چنین حوض‌هایی برای تابستان داشتند».

کتاب‌های کتاب‌خانه رهبر شهید در مشهد

مسجدجامعی با اشاره به کتاب‌خانه‌ای که در منزل رهبر شهید وجود داشت، توضیح داد: «در این منزل کتاب‌خانه هم هست، کتاب‌خانه قلب این خانه است. حساس شدم که آیا



در میان ابعاد گستردهٔ شخصیت علمی، دینی و سیاسی رهبر شهید انقلاب، انس عمیق ایشان با کتاب، ادبیات و شعر جایگاهی ممتاز داشت. کتاب‌خوانی برای ایشان نه فعالیتی جنبی، بلکه بخشی جدایی‌ناپذیر از زندگی فکری و فرهنگی بود. تأکید مستمر بر ترویج فرهنگ مطالعه، معرفی آثار ارزشمند و نگارش تقریظ بر کتاب‌های ادبی، تاریخی و خاطرات دفاع مقدس، بیان‌گر اعتقاد عمیق ایشان به نقش کتاب در رشد جامعه، تقویت هویت ملی و انتقال تجربه‌های تاریخی بود. قائم‌مقام مرکز دایرةالمعارف بزرگ اسلامی با اشاره به این‌که رهبر شهید دربارهٔ شعر و ادب آگاهی داشتند، می‌گوید: «ایشان بر آثار سعدی و حافظ اشعار داشتند و بخش عمده‌ای از کتاب‌های رهبر شهید مربوط به آثار ادبی جدید بودند».

مختصات منزل رهبر شهید در مشهد

احمد مسجدجامعی در گفت‌وگو با ایرنا، دربارهٔ منزل آقای شهید ایران در مشهد، می‌گوید: این منزل خود ایشان است و نه منزل پدری ایشان، منزل پدری داستان دیگری دارد. در یک سفر که از قضا روز فردوسی ۲۵ اردیبهشت بود به مشهد مشرف شدم، منزل خودشان را دیدم. در حالی که خانه‌های پیرامون آن برج شده و این خانه در گودالی قرار گرفته است، به نظر می‌رسد همهٔ خانه‌ها شبیه هم بوده‌اند. بنا با حدود ۲۵۰ مترمربع مساحت در سبک دههٔ ۳۰ و ۴۰ با آجر و آهن ساخته شده است. ساختمان یک در ماشین‌رو دارد و یک در برای ورود انسان به ساختمان است، در حقیقت می‌توان گفت به نوعی بیرونی و اندرونی دارد، البته نه به سبک قدیم که حیاط‌های متفاوت وجود داشت. این حیاط واحد است. در حیاط خانه چند نهال معمول میوه مخصوص شرایط اقلیمی مشهد کاشته شده است». به گفتهٔ وزیر اسبق فرهنگ و ارشاد اسلامی، ساختمان یک بالکن که با دو پله که جلوی آن

ادامه گزارش یک



شب حذف اسطوره

زاتوی چپ دست و پنجه نرم می‌کرد. او در شرایط دشواری بازی کرد؛ پرتغال در همان مرحله گروهی حذف شد. او ۲۹ سال داشت؛ از نظر تئوری در اوج دوران حرفه‌ای‌اش بود، اما فرصت دیگری برای «نوشتن آینده» از دست رفته بود. تا سال ۲۰۱۸، رونالدو ۳۳ ساله شده بود و ژنرال‌مدیر در آستانه فروش او به یوونتوس قرار داشت. هرچند آن زمان هرگز جرأت نمی‌کرد چنین فکری به ذهنش راه دهد، اما پنجمین توپ طلایش که ۶ ماه قبل به‌دست آورده بود، آخرین توپ طلای دوران حرفه‌ای‌اش از آب درآمد. او با ذهنیتی وارد جام جهانی روسیه شد که به‌نظر می‌رسید آماده است تا از فرصت استفاده کند؛ به‌عبارتی، آینده را بنویسد. در نخستین دیدار پرتغال مقابل اسپانیا، او هت‌تریک کرد، اما جام جهانی رونالدو و پرتغال خیلی‌زود با شکست مقابل اروگوئه در مرحله یک‌هشتم نهایی به پایان رسید. رونالدو در سال ۲۰۲۲ بار دیگر بازگشت. او در نخستین مسابقه برابر غنا از روی نقطه پنالتی گل زد، اما در سومین مسابقه مقابل کره‌جنوبی تأثیر چندانی نداشت و نسبت به تعویض‌اش با عصیانیت واکنش نشان داد و باعث ناراضایی سرمربی تیم، فرناندو سانتوس شد. پرتغال در مرحله یک‌چهارم نهایی مقابل مراکش شکست خورد و رونالدو، که در نیمه دوم به‌عنوان بازیکن تعویضی تأثیر چندانی نداشت، اشک‌ریزان زمین را ترک کرد. در جام جهانی ۲۰۲۶ از نظر بدنی، او آماده‌تر و سرحال‌تر از سال ۲۰۲۲ به‌نظر می‌رسید. در قطر چهره‌ای عبوس داشت. چندشب پیش که هواداران

تتها ۸ بازیکن در تاریخ، بیش از ۱۱ گل رونالدو در جام جهانی به‌شمر رسانده‌اند. اما در مقایسه با نبوغ، طول عمر حرفه‌ای و جایگاه او به‌عنوان بهترین گلزن تاریخ فوتبال باشگاهی و ملی، این آمار ناامیدکننده و بسیار اندک به‌نظر می‌رسد. اما داستان به این سادگی هم نیست. ۶ جام جهانی، ۶ نوع و ۶ درجه متفاوت از ناکامی را برای او به‌همراه داشته است. همان‌قدر که فراز وجود داشته، فرود نیز بوده است. اگر بخواهیم قضاوت کنیم، بهترین جام جهانی رونالدو، نخستین حضورش بود. او در ۲۱ سالگی در مرحله گروهی برابر ایران یک ضربه پنالتی را به گل تبدیل کرد، در دیدار مرحله یک‌هشتم نهایی مقابل هلند، پس از برخورد شدید خالد بولاحروز، مدافع هلند، که با تکی در ارتفاع ران پای او را هدف قرار داد، اشک‌ریزان زمین را ترک کرد. همچنین، در همان ۲۱ سالگی، آخرین باری بود که حضور در مرحله نیمه‌نهایی جام جهانی را تجربه کرد. دومین جام جهانی او، که پس از تبلیغ «آینده را بنویس» برگزار شد، ناامیدی بزرگی بود. رونالدو به‌شدت از سوی رسانه‌های پرتغالی بابت عملکردش در رقابت‌هایی که با شکست مقابل اسپانیا در نخستین مرحله حذفی پایان یافت، مورد انتقاد قرار گرفت. او پس از آن مسابقات، خود را شکسته توصیف کرد و گفت دچار اندوهی غیرقابل تصور شده است. سومین جام جهانی او، در سال ۲۰۱۴ نیز داستانی مشابه داشت. رونالدو پس از فصلی که با قهرمانی ژنرال‌مدیر در لیگ قهرمانان اروپا به پایان رسیده بود، با التهاب تاندون کشکک



یادداشت: سینمای ایران

از «خشت و آینه»
تا «چریکه تارا»

روایت زندگی هنری منوچهر فرید



فرزانه متین

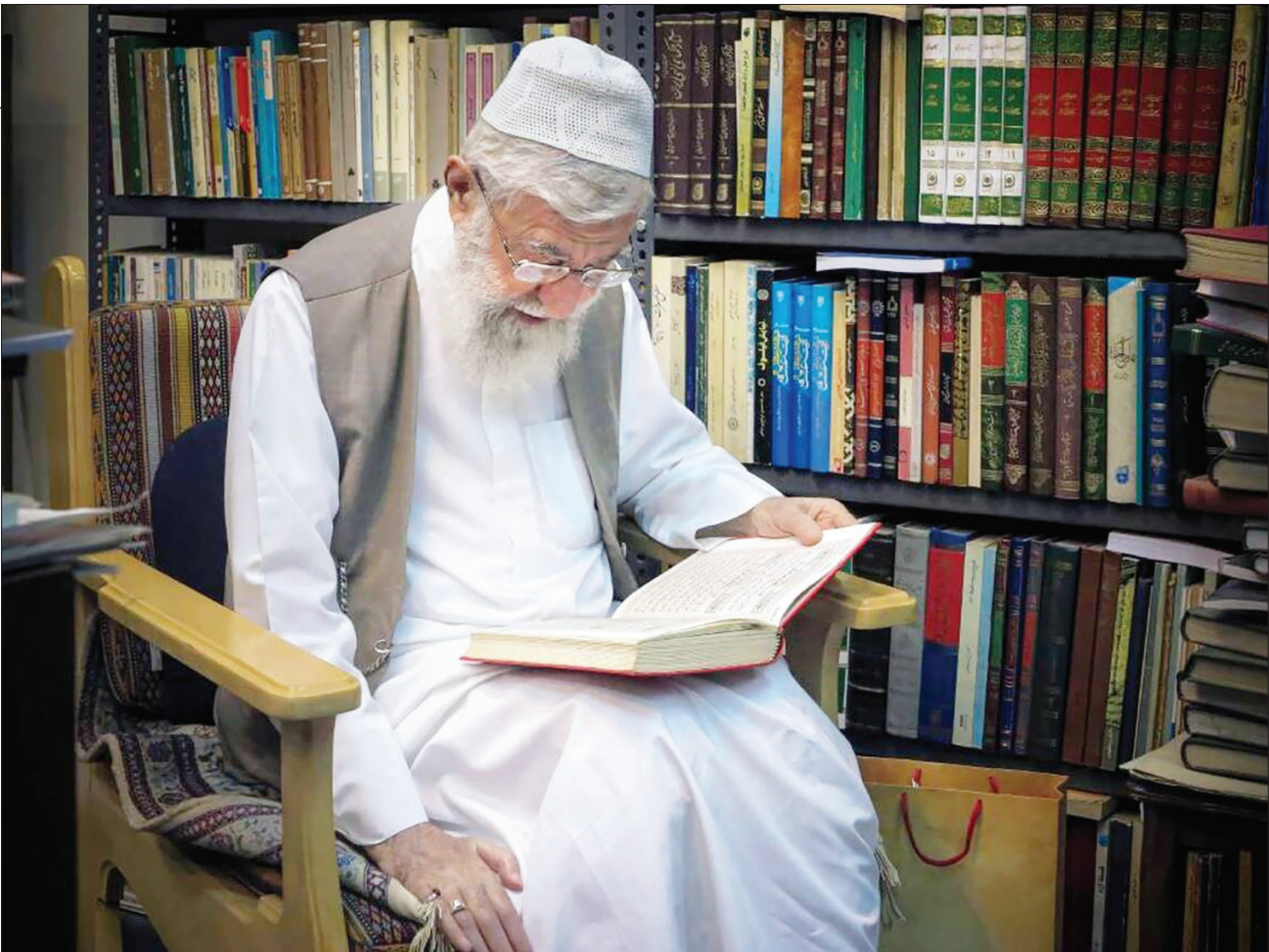
روزنامه نگار

منوچهر فرید، بازیگر دوران طلایی هنرهای نمایشی ایران در دهه‌های ۴۰ و ۵۰، در ۱۲ تیرماه سال جاری در استرالیا درگذشت. او بر سر دوراهی عشق و وظیفه، عشق عمیق خود به هنر را برگزید. می‌توانست یکی از ده‌ها بازیگر هم‌نسلس باشد که پیش و پس از انقلاب ۱۳۵۷ به فعالیت ادامه دادند، اما برای فرید، دوره‌ای به‌نام «بعد از انقلاب» وجود نداشت. به او گفتند که دیگر نباید بماند و از همین‌رو ایران را ترک کرد. فرید از نوجوانی دلبستگی فراوانی به تئاتر داشت. زمانی که همراه خانواده‌اش در خرمشهر زندگی می‌کرد، در تئاتر مدارس به فعالیت می‌پرداخت تا اینکه روزی از اداره فرهنگ و هنر مرکز (تهران) خبر رسید گروهی نمایشی قرار است در خرمشهر اجرایی خبریه برگزار کند و درآمد فروش بلیت‌ها صرف نیازمندان شود. نیامدن یکی از اعضای گروه و آمادگی منوچهر فرید برای حضور روی صحنه، موجب شگفتی کارگردان شد. همان اجرا سکوی پرتاب او بود و راهش را به تئاترهای تهران گشود.

تشویق‌های دکتر فروغ، مدیر هنرهای دراماتیک، باعث شد فرید با کارگردانی چون حمید سمندریان همکاری کند. در روزگاری که تئاتر و سینما در دهه ۴۰ رونقی هم‌سنگ داشتند و بخش عمده تولیدات سینمایی به فیلمفارسی محدود می‌شد، ابراهیم گلستان که پیش‌تر با مستندهایش شناخته شده بود، تصمیم داشت فیلمی متفاوت از جریان رایج سینمای آن روزگار بسازد. در همان زمان، فرید در نمایش «مردهای بی‌کفن و دفن» به کارگردانی حمید سمندریان بازی می‌کرد. ابراهیم گلستان و فروغ فرخزاد از تماشاگران آن اجرا بودند. پس از پایان نمایش، آن دو نزد منوچهر فرید، جمشید مشایخی و محمدعلی کشاورز رفتند و ضمن تریک، گلستان هر سه را برای بازی در نخستین فیلم بلند خود، «خشت و آینه»، برگزید. فرید بعدها درباره آن تجربه گفته بود: «ما هر سه نفر، به مدت یک ماه، هر روز نزد گلستان می‌رفتیم و دیالوگ‌های شعرگونه‌ای را که مطابق سبک و سلیقه او بود، تمرین می‌کردیم». سرانجام او در «خشت و آینه» که پس از «شب قوزی» از آثار آغازگر موج نوی سینمای ایران به‌شمار می‌رود، در نقش رئیس کلاتری حضوری درخشان داشت. هم‌زمان در تله‌تئاترهایی چون «دیکته»، «ارثیه پدری» و «روزنه آبی» نیز ایفای نقش کرد. در سال ۱۳۵۰ در فیلم «صمد و قالیچه حضرت سلیمان» ساخته پرویز صیاد نیز حضوریافت اما روحیه و توانایی‌های او با بازی در آثار کم‌دی چندان همخوانی نداشت.



استعداد واقعی فرید را بهرام بیضایی به‌خوبی شناخت. بیضایی او را برای نخستین فیلمش، «گبار»، در کنار پرویز فنی‌زاده و پروانه معصومی به‌عنوان ضلع دیگر این مثلث عاشقانه برگزید. فرید در نقش آقاجیم، قصاب محل، شخصیتی متفاوت از جاهل‌های کلیشه‌ای سینمای آن دوران آفرید؛ شخصیتی که گرچه رقیب عشقی آقای حکمتی بود، اما چهره‌ای منفی نداشت. او سپس در فیلم «بلوچ» ساخته مسعود کیمیایی، نقش منفی امیر را بازی کرد؛ شخصیتی متجاوز که در پایان داستان به دست بلوچ کشته می‌شود. فرید در فیلم بعدی بیضایی، «غریبه و مه» کنار پروانه معصومی و خسرو شجاع‌زاده به ایفای نقش پرداخت. پس از آن نیز در «کلاغ» ساخته بیضایی حضوری کوتاه داشت. قرار بود بیضایی فیلم «عبار تنها» را که داستانش در روزگار یورش مغولان به ایران می‌گذشت، با بازی منوچهر فرید در نقش اصلی بسازد. اما روزی که فرید برای امضای قرارداد رفت، با خشم بیضایی روبه‌رو شد؛ زیرا تهیه‌کننده اصرار داشت به‌روز وثوقی به‌جای او نقش عیار را بازی کند و در غیر این صورت فیلم ساخته نخواهد شد. بیضایی بعدها در این باره گفته بود: «بیشتر تهیه‌کنندگان تصور می‌کردند، حضور بازیگران پول‌ساز تضمین‌کننده موفقیت فیلم بیش از هر چیز به کیفیت ساخت آن وابسته است، نه صرفاً ستاره‌هایش». بیضایی زیر بار این خواسته نرفت و «عبار تنها» هرگز ساخته نشد؛ فیلمی که اگر به مرحله تولید می‌رسید، بی‌تردید می‌توانست در شمار آثار ماندگار سینمای ایران قرار گیرد. سرانجام، در سال ۱۳۵۷، منوچهر فرید آخرین نقش سینمایی خود را در «چریکه تارا» ایفا کرد. منوچهر فرید طی تنها ۱۴ سال فعالیت حرفه‌ای، در ۱۵ فیلم سینمایی به ایفای نقش پرداخت. همکاری با فیلم‌سازانی چون ابراهیم گلستان، بهرام بیضایی و مسعود کیمیایی، کارنامه‌ای ارزشمند و ماندگار برای او به یادگار گذاشت.



یشان بودند، هم‌چنین به عنوان روحانی جوان ارتباطات اجتماعی گسترده داشت.»

احمد مسجدجامعی با تأکید بر این که بخش عمده‌ای از کتاب‌های رهبر شهید مربوط به آثار ادبی جدید بودند، بیان کرد: «آثار ادبی قدیم را بیشتر علمای تهران و مشهد داشتند و شاعر و ادب‌آمیز نبودند. حافظ، سعدی، جامی و مولوی، این‌ها شعرهای بود که می‌خواندند حتی شعرای جدید مانند بروج میرزا، پروین اعتصامی، صادق سرمد، خوش‌دل تهرانی، شهریار را می‌خواندند، به‌خصوص به یاد دارم مناظره‌های پروین دارم منبرها می‌خواندند.» مسجدجامعی با اشاره به یادداشت‌های خوش رهبر شهید، گفت: «ایشان صدای خوشی هم داشتند و دستگاه‌های موسیقی ایرانی را می‌شناختند. در خاطر دارم زمانی که به مشهد می‌رفتم، هتل نمی‌رفتم و به

حوزه مشهد و قم را داشتیم، بزرگ علمای این‌ها با هم قابل تطبیق است و به‌نوعی مرجع هم می‌شوند، این مسئله از همان سال‌ها گفته می‌شد».

آثار شریعتی و بازرگان

مسجدجامعی در ادامه توضیحاتش درباره کتاب‌های کتابخانه آیت‌الله خامنه‌ای در پیش از انقلاب می‌گوید: «وجه علمایی و کار کتابخانه رهبر شهید جای خود را داشت. برخی از آثار موجود در کتابخانه ایشان با زمانه ارتباط داشت؛ زمانی گفتار فلسفی و زمانی «صلح امام حسن (ع)» که خودشان ترجمه کردند، هم‌چنین آثار مرتضی مطهری، آقاییان شریعتی، مهدی بازرگان، حسین علی‌راشد و نویسندگان مصری مورد توجه بود، این کتاب‌ها در کتابخانه

پرتغال و هواداران رونالدو بیرون هتل تیر در مرکز شهر نوروتو جمع شدند. ویدیویی از داخل اردو تیم وجود دارد که لحظه‌ای از نشان‌های می‌دهد که رونالدو، با چشمانی که از شوق برق می‌زد، تصمیم گرفت به‌بالکن برود و برای آنها دست تکان دهد. آنجا دقیقاً در عنصر وجودی خود بود؛ حضورش و تکنیک راکت‌ش با تشویق‌های پرشور هواداران عاشقش در پایین ساختمان همراه می‌شد و او همان چیزی را به مردمش می‌داد که انتظارش را داشتند. اگر او هم مانند مسی قهرمان جهان شده بود، بدون تردید آن قهرمانی بخشی تعیین‌کننده از دوران حرفه‌ای‌اش می‌شد. اما نکته اینجاست؛ جام جهانی هرگز دوران حرفه‌ای رونالدو را تعریف نکرده است. نباید هم میراث او را تعریف کند. مسی، به‌باور بسیاری، بزرگ‌ترین فوتبالیست تاریخ است و رونالدو، بر اساس آمار، بزرگ‌ترین گلزن تاریخ فوتبال. این حقیقت پیش از پنجمین جام جهانی آنها در سال ۲۰۲۲ نیز وجود داشت و پس از ششمین جام جهانی‌شان نیز همچنان پابرجاست. کارنامه کریستیانو رونالدو با رکوردهایی که به‌جا گذاشته، تعریف می‌شود. او هم در سطح باشگاهی (۸۳۰ گل) و هم در سطح ملی (۱۴۶ گل)، بیش از هر بازیکن دیگری در تاریخ فوتبال گلزنی کرده است. او بهترین گلزن تاریخ باشگاه رئال مادرید است (۴۵۰ گل تنها در ۴۳۸ بازی) و همچنین بهترین گلزن تاریخ جام باشگاه‌های اروپا و لیگ قهرمانان اروپا (۱۴۰ گل در ۱۸۳ بازی) به‌شمار می‌رود. رونالدو با ۲۳۳ بازی ملی، بیش از هر بازیکن مرد دیگری در تاریخ فوتبال برای تیم ملی کشورش به میدان رفته است. حتی اگر او فقط بهترین گلزن تاریخ فوتبال بود، باز هم در میان بزرگ‌ترین بازیکنان تاریخ فوتبال قرار می‌گرفت. اما واقعیت این است که میراث او تقریباً بی‌همتا است. اعتمادبه‌نفسی که در واپسین سال‌های دوران حرفه‌ای‌اش از این باور گرفته بود که میراثش، فارغ از هر نتیجه‌ای، خدشه‌ناپذیر است او را در هفته‌های اخیر سرپا نگه داشت. این ذهنیت باعث شد ششمین و آخرین جام جهانی‌اش، نسبت به چندین جام جهانی قبلی، تجربه‌ای لذت‌بخش‌تر به نظر برسد. حسرت؟ ناامیدی؟ البته که وجود داشت. اما این‌بار، به‌ویژه در این سن، حق داشت احساس کند هر آنچه در توان داشته انجام داده است. و در نهایت، آن تبلیغ نابکی اشتباه از آب درآمد. آن آینده باشگاهی که قرار بود اگر رونالدو سرنوشتش را روی صحنه جام جهانی

می‌نوشت، در انتظارش باشد؟ تقریباً همه آن اتفاق‌ها، به‌جز چند جزئیات خیالی که کارگردان تبلیغ تصور کرده بود، در نهایت به حقیقت پیوستند. میراث رونالدو و داستان او، به‌عنوان یکی از بزرگ‌ترین فوتبالیست‌های تمام دوران، طی دهه گذشته گدشته نوشته شده است. او نه می‌تواند و نه باید باقی عمرش را صرف حسرت خوردن برای تنها افتخاری کند که هرگز به‌دست نیاورد.

[illegible]

تاریخ انتشار نوبت اول: ۱۴۰۵/۰۴/۱۷

تاریخ انتشار نوبت دوم: ۱۴۰۵/۰۴/۲۰

روابط عمومی شرکت ملی پخش فرآورده های نفتی ایران منطقه بوشهر

دیدگاه: یادداشت اقتصادی

طلا به جای دلار

چین برای تضعیف دلار چه نقشه‌ای در سر دارد؟

مهتا معرفت
منترحم

درحالی که دلار آمریکا همچنان ارز غالب تجارت جهانی و ذخایر ارزی بانک‌های مرکزی است، چین سال‌هاست پروژه‌ای بلندمدت برای کاهش وابستگی اقتصاد جهانی به دلار را دنبال می‌کند. برخلاف تصویری که گاه مطرح می‌شود، هدف پکن آن نیست که یوآن را به‌طور مستقیم جایگزین دلار کند. مقامات چینی به خوبی می‌دانند که تبدیل یوآن به ارز مسلط جهان مستلزم آزادسازی کامل بازارهای مالی، حذف کنترل سرمایه و پذیرش ریسک‌هایی است که با مادل اقتصادی این کشور سازگار نیست. از همین‌رو، چین راهبرد متفاوتی را در پیش گرفته که در آن طلا به مهم‌ترین ابزار رقابت با دلار تبدیل می‌شود. در سال‌های اخیر، چین به‌تدریج بخشی از دارایی‌های دلاری خود به‌ویژه اوراق خزانه‌داری آمریکا را کاهش داده و همزمان به یکی از بزرگ‌ترین خریداران طلا در جهان تبدیل شده است. این سیاست تنها به افزایش ذخایر طلای بانک مرکزی محدود نمی‌شود بلکه بخشی از برنامه‌ای بزرگ‌تر برای ایجاد یک نظام مالی جایگزین است؛ نظامی که بتواند تجارت بین‌المللی را بدون نیاز به دلار و شبکه مالی تحت رهبری آمریکا تسهیل کند. یکی از مهم‌ترین ابزارهای این راهبرد، بورس طلای شانگهای است. این بورس طی سال‌های گذشته به یکی از بزرگ‌ترین بازارهای معاملات طلای فیزیکی جهان تبدیل شده و امکان خرید و فروش شمش طلا را با قیمت‌های مبتنی بر عرضه و تقاضای بازار فراهم کرده است. تفاوت مهم این سازوکار با بسیاری از بازارهای غربی آن است که تمرکز آن بر طلای فیزیکی است نه صرفاً قراردادهای مالی مبتنی بر طلا. در کنار این بورس، چین سامانه پرداخت بین‌بانکی فرامرزی موسوم به CIPS را توسعه داده است. این سامانه به‌عنوان جایگزینی برای شبکه سوئیفت طراحی شده و امکان انجام پرداخت‌های بین‌المللی با یوآن را فراهم می‌کند. اگرچه CIPS هنوز از نظر حجم تراکنش‌ها فاصله زیادی با سوئیفت دارد اما تعداد اعضای آن به‌طور مستمر در حال افزایش است و بسیاری از بانک‌ها و مؤسسات مالی کشورهای مختلف به آن پیوسته‌اند. ترکیب این دو زیرساخت مدل تازه‌ای از تجارت بین‌المللی را شکل می‌دهد. در این مدل کشوری که کالایی مانند نفت، گاز، فلزات یا مواد اولیه را به چین صادر می‌کند، می‌تواند بهای آن را به یوآن دریافت کند سپس بدون نیاز به بازارهای مالی غرب، این یوآن را تقریباً بلافاصله به طلای فیزیکی تبدیل کند. در واقع صادرکننده مجبور نیست برای مدت طولانی دارایی خود را به یوآن نگهداری کند؛ بلکه می‌تواند آن را به دارایی‌ای تبدیل کند که قرنها به‌عنوان ذخیره ارزش شناخته شده است. این ویژگی مزیت مهمی برای بسیاری از کشورها محسوب می‌شود. در چنین سازوکاری اعتماد به سیاست‌های پولی یا مالی دولت چین اهمیت کمتری پیدا می‌کند زیرا پشتوانه نهایی معاملات، نرخ شناور بازار طلاست. به بیان دیگر، کشورها لازم نیست به ارزش بلندمدت یوآن اعتماد کامل داشته باشند؛ کافی است به بازار جهانی طلا اعتماد کنند.

چین برای تقویت این روند، ابزارهای دیگری نیز به کار گرفته است. یکی از این ابزارها، اعطای وام‌های یوآنی با نرخ بهره پایین‌تر نسبت به تأمین مالی دلاری است. هزینه کمتر تأمین مالی، استفاده از یوآن را برای شرکت‌ها و دولت‌های مختلف جذاب‌تر می‌کند. علاوه بر این پکن طی سال‌های گذشته، دهها توافق‌نامه سوآپ ارزی با بانک‌های مرکزی کشورهای مختلف امضا کرده است. این توافقی‌ها به کشورها اجازه می‌دهد بدون نیاز به دلار، تجارت دوجانبه خود را با استفاده از ارزهای محلی انجام دهند و در صورت نیاز به نقدینگی یوآنی دسترسی داشته باشند. گام دیگر چین، توسعه شبکه انبارهای برون‌مرزی طلا و تقویت زیرساخت‌های نگهداری فلزات گرانبهاست. این اقدام به تسهیل تجاری اطمینان بیشتری می‌دهد که در صورت تمایل، می‌توانند دارایی‌های خود را به طلای فیزیکی تبدیل کرده و خارج از نظام مالی غرب نگهداری کنند. یکی از انگیزه‌های اصلی این سیاست، کاهش آسیب‌پذیری کشورها در برابر تحریم‌های مالی آمریکاست. تجربه تحریم‌های گسترده علیه برخی کشورها، به‌ویژه مسدود شدن دارایی‌های خارجی و محدودیت دسترسی به شبکه سوئیفت، باعث شده بسیاری از اقتصادهای نوظهور به دنبال گزینه‌های جایگزین باشند. چین می‌کوشد با ایجاد زیرساختی مستقل، این نگرانی را کاهش دهد و شرکای تجاری خود را به استفاده از شبکه مالی تحت رهبری پکن تشویق کند. اگر این روند در سال‌های آینده گسترش یابد ممکن است نظام پولی جهان به‌جای حرکت به سوی سلطه یک ارز جدید وارد دوره‌ای چندقطبی شود؛ دوره‌ای که در آن دلار همچنان نقش مهمی ایفا می‌کند اما در کنار آن، شبکه‌های مالی جدید، ارزهای محلی و طلا نیز سهم بیشتری از تجارت و ذخایر جهانی را به خود اختصاص می‌دهند. در این سناریو مهم‌ترین دستاورد چین نه جایگزین کردن یوآن با دلار بلکه تبدیل شدن به معمار زیرساختی است که تجارت جهانی را بسا اتکای کمتر به نظام مالی تحت رهبری آمریکا امکان‌پذیر می‌کند.

توسعه

بررسی تحولات اقتصادی

توزیع استانی فقر

چرا استان‌هایی که بیشترین بیکاری را دارند، بیشترین تورم را تحمل می‌کنند؟

سعید مشهوری
گروه اقتصاد

در سال‌های اخیر، روایت غالب درباره اقتصاد ایران بر کوچک شدن طبقه متوسط متمرکز بوده است. بسیاری از تحلیل‌ها نشان می‌دهند که تورم مزمن، کاهش ارزش پول ملی و افت قدرت خرید، بخش بزرگی از خانوارهای متوسط را به سمت دهک‌های پایین درآمدی سوق داده اما این تنها بخشی از واقعیت است. آنچه کمتر مورد توجه قرار گرفته تغییر جغرافیای فقر در ایران است. تغییری که نشان می‌دهد، فشار تورمی در سراسر کشور به یک اندازه توزیع نشده و برخی استان‌ها، که از پیش نیز با نرخ‌های بالای بیکاری، درآمد پایین و محرومیت ساختاری دست‌وپنجه نرم می‌کردند پیش از سایر مناطق هزینه تورم را پرداخته‌اند. به بیان دیگر، تورم در ایران نه‌تنها طبقه متوسط را تضعیف کرده بلکه فقیرترین استان‌ها را نیز فقیرتر کرده است.

در نگاه نخست، نرخ تورم یک شاخص ملی به‌نظر می‌رسد. هر ماه تنها یک عدد به‌عنوان تورم کشور منتشر می‌شود و این تصور را ایجاد می‌کند که همه خانوارهای ایرانی، افزایش قیمت‌ها را به یک میزان تجربه می‌کنند. اما واقعیت اقتصاد ایران بسیار پیچیده‌تر از این تصویر ساده است. داده‌های مرکز آمار ایران نشان می‌دهد که طی بیش از ۱۴ سال گذشته برخی استان‌ها تقریباً به‌طور مداوم تورمی بالاتر از میانگین کشور را تجربه کرده‌اند، درحالی‌که برخی دیگر اغلب پایین‌تر از متوسط ملی قرار داشته‌اند. این تفاوت، تنها یک اختلاف آماری نیست؛ بلکه به‌معنای آن است که فشار معیشتی در نقاط مختلف کشور شدت یکسانی نداشته و شکاف‌های منطقه‌ای به تدریج عمیق‌تر شده است. بررسی آمارهای مرکز آمار ایران از فروردین ۱۳۹۱ تا خرداد ۱۴۰۵ که ۱۷۱ ماه را بر می‌گیرد، نشان می‌دهد استان چهارمحال‌وختیاری در ۱۴۲ ماه تورمی بالاتر از میانگین کشور را تجربه کرده است. پس از آن لرستان با ۱۳۶ ماه، آذربایجان شرقی و آذربایجان غربی هر کدام با ۱۲۹ ماه، هرمزگان با ۱۲۸ ماه، خراسان شمالی و گلستان با ۱۲۶ ماه و کهگیلویه و بویراحمد با ۱۲۰ ماه قرار دارند. در نقطه مقابل، استان‌هایی مانند سمنان، گیلان، قم، تهران و بوشهر در بخش عمده این دوره تورمی پایین‌تر از میانگین کشور داشته‌اند.

همین الگو در شاخص تورم سالانه نیز دیده می‌شود. چهارمحال و بختیاری، لرستان، آذربایجان غربی و خراسان شمالی بیشترین دفعات ثبت تورم بالاتر از میانگین کشور را داشته‌اند، درحالی‌که سمنان، زنجان، خوزستان، قم، گیلان و تهران کمترین دفعات قرار گرفتن بالاتر از میانگین ملی را تجربه کرده‌اند. تکرار این الگو در دو شاخص متفاوت نشان می‌دهد که با یک نوسان کوتاه‌مدت مواجه نیستیم بلکه نوعی «جغرافیای تورم» در اقتصاد ایران شکل گرفته است.

نکته قابل توجه آن است که بسیاری از استان‌هایی که در صدر فهرست تورم قرار دارند همان استان‌هایی هستند که طی سال‌های گذشته همواره با نرخ‌های بالای بیکاری، درآمد سرانه پایین، سرمایه‌گذاری محدود و شاخص‌های توسعه انسانی ضعیف‌تر شناخته

شده‌اند. این همزمانی یک پرسش مهم را مطرح می‌کند؛ چرا مناطقی که فرصت‌های شغلی کمتری دارند و درآمد خانوارها در آنها پایین‌تر است، تورم بیشتری را نیز تحمل می‌کنند؟

پاسخ این پرسش را باید در ساختار اقتصاد این استان‌ها جست‌وجو کرد. نخست آنکه خانوارهای کم‌درآمد بخش بسیار بزرگ‌تری از درآمد خود را صرف کالاهای اساسی، به‌ویژه خوراکی‌ها، می‌کنند. در سال‌های اخیر نیز تورم مواد غذایی در بسیاری از مقاطع بالاتر از تورم عمومی بوده است. بنابراین هر افزایش قیمت در این گروه از کالاها فشار بیشتری بر خانوارهای ساکن استان‌های محروم وارد می‌کند. در مقابل در استان‌های برخوردارتر که سهم خدمات، آموزش، تفریح و سایر کالاهای غیرخوراکی در سبد مصرف خانوار بیشتر است، اثر تورم خوراکی‌ها تا حدی تعدیل می‌شود.

عامل دوم به هزینه‌های حمل‌ونقل و توزیع کالا مربوط می‌شود. بسیاری از استان‌های غربی، کوهستانی یا کم‌برخوردار کشور فاصله بیشتری با مراکز اصلی تولید و توزیع دارند و زیرساخت‌های حمل‌ونقل آنها نیز ضعیف‌تر است. در چنین شرایطی، افزایش قیمت سوخت، هزینه‌های لجستیکی و اختلال در زنجیره تأمین با شدت بیشتری به قیمت نهایی کالاها منتقل می‌شود. نتیجه آن است که یک کالای مشابه ممکن است در استان‌های محروم با سرعت بیشتری گران شود. از سوی دیگر ضعف رقابت در بازارهای محلی نیز بر این روند اثر می‌گذارد. در بسیاری از استان‌های کوچک‌تر، تعداد تولیدکنندگان، عمده‌فروشان و شبکه‌های توزیع محدودتر است و همین مسئله باعث می‌شود، رقابت کمتری برای کنترل قیمت‌ها وجود داشته باشد. در نتیجه، شوک‌های تورمی سریع‌تر و با شدت بیشتری به مصرف‌کننده منتقل می‌شوند. ترکیب این عوامل سبب شده که نرخ تورم ملی نتواند، تصویر دقیقی از تجربه واقعی خانوارهای ایرانی ارائه دهد. ممکن است دو خانوار با درآمدی تقریباً یکسان اما در دو استان متفاوت، فشار معیشتی کاملاً متفاوتی را تحمل کنند. به همین دلیل استفاده صرف از نرخ تورم ملی برای ارزیابی وضعیت رفاه خانوارها می‌تواند گمراه‌کننده باشد.

پایامد این وضعیت تنها کاهش قدرت خرید نیست. هنگامی که یک استان به‌طور مداوم تورمی بالاتر از میانگین کشور را تجربه می‌کند، فاصله آن با مناطق برخوردار هر سال بیشتر می‌شود. درآمد واقعی خانوارها کاهش می‌یابد، پس‌اندازها از بین می‌رود، سرمایه‌گذاری خانوار در آموزش، سلامت و مهارت‌آموزی کاهش پیدا می‌کند و امکان خروج از چرخه فقر دشوارتر می‌شود. به این ترتیب فقر از یک وضعیت موقتی به یک ویژگی پایدار تبدیل می‌شود.

اقتصاددانان این پدیده را «موروثی شدن فقر» می‌نامند؛ وضعیتی که در آن، فقر تنها به یک نسل محدود نمی‌شود بلکه به نسل‌های بعد نیز منتقل می‌شود. کودکی که در خانواده‌ای کم‌درآمد و در استانی با فرصت‌های محدود اقتصادی متولد می‌شود احتمال بیشتری دارد که از آموزش باکیفیت، تغذیه مناسب، خدمات درمانی مطلوب و فرصت‌های شغلی مناسب محروم بماند. در نتیجه، احتمال خروج او از فقر نسبت به گذشته کاهش می‌یابد و شکاف‌های اقتصادی و اجتماعی بازتولید می‌شوند. از این منظر، تورم تنها یک مسئله پولی نیست؛ بلکه به عاملی

برای تعمیق نابرابری منطقه‌ای تبدیل شده است. استان‌هایی که از ابتدا سرمایه‌گذاری کمتر، زیرساخت ضعیف‌تر و نرخ بیکاری بالاتری داشته‌اند اکنون فشار تورمی بیشتری نیز تحمل می‌کنند. این وضعیت باعث می‌شود، شکاف توسعه میان استان‌های برخوردار و کم‌برخوردار هر سال عمیق‌تر شود. نکته مهم دیگر آن است که رابطه میان بیکاری و تورم در این استان‌ها، برخلاف برخی نظریه‌های کلاسیک اقتصاد، معکوس نیست. در بسیاری از کشورها، افزایش بیکاری معمولاً با کاهش فشار تورمی همراه است اما اقتصاد ایران به دلیل محدودیت‌های ساختاری، وابستگی به واردات، شوک‌های ارزی و ضعف تولید با پدیده‌ای مواجه شده که می‌توان آن را «رکود تورمی منطقه‌ای» نامید. یعنی استان‌هایی که بیشترین بیکاری را دارند همزمان بیشترین تورم را نیز تجربه می‌کنند؛ ترکیبی که فشار معیشتی را دوچندان می‌کند. در چنین شرایطی، سیاست‌های حمایتی کوتاه‌مدت اگرچه می‌توانند بخشی از فشار معیشتی را کاهش دهند اما راه‌حل اصلی نیستند. تجربه اقتصادهای مختلف نشان می‌دهد که هیچ کشوری تنها با پرداخت یارانه یا توزیع مجدد درآمد نتوانسته به‌طور پایدار فقر را کاهش دهد. کاهش پایدار فقر نیازمند رشد اقتصادی مستمر، افزایش سرمایه‌گذاری، ایجاد فرصت‌های شغلی و گسترش تجارت است. اقتصاددانان بر این باورند که خروج از چرخه فقر بدون رشد اقتصادی پایدار ممکن نیست. اقتصادی که سال‌ها با نرخ‌های پایین رشد، سرمایه‌گذاری محدود و ارتباط ضعیف با اقتصاد جهانی مواجه بوده، نمی‌تواند تنها از طریق سیاست‌های حمایتی بر فقر غلبه کند. برای تغییر این وضعیت، اقتصاد ایران به رشد‌های پایدار حدود ۵ تا ۶ درصد نیاز دارد؛ رشدی که بتواند ظرفیت تولید را افزایش دهد، فرصت‌های شغلی جدید ایجاد کند و درآمد خانوارها را به شکل واقعی بالا ببرد.

اما تحقق چنین رشدی نیز بدون گسترش تجارت و تعامل اقتصادی با جهان امکان‌پذیر نیست. سرمایه‌گذاری، انتقال فناوری، توسعه صادرات و حضور در زنجیره‌های ارزش جهانی همگی به محیطی باثبات و روابط اقتصادی گسترده با جهان نیاز دارند. هرچه اقتصاد بسته‌تر باشد، ظرفیت آن برای ایجاد اشتغال، افزایش بهره‌وری و کاهش فقر نیز محدودتر خواهد بود.

در نهایت، داده‌های استانی تورم تصویر ی از تفاوت قیمت‌ها ارائه نمی‌کنند؛ آنها نقشه تازه‌ای از نابرابری در ایران را به نمایش می‌گذارند. این داده‌ها نشان می‌دهد، تورم در ایران نه‌تنها همه را فقیرتر کرده بلکه فقیرترین مناطق کشور را بیش از دیگران تحت فشار قرار داده است. اگر این روند ادامه یابد، شکاف میان استان‌های برخوردار و کم‌برخوردار عمیق‌تر خواهد شد و فقر، بیش از گذشته، به پدیده‌ای پایدار و موروثی تبدیل می‌شود. از همین‌رو سیاست‌گذاری برای مهار تورم باید فراتر از اعلام یک نرخ ملی باشد و تفاوت‌های منطقه‌ای را نیز در نظر بگیرد؛ زیرا ر اقتصاد که جغرافیای تورم ناهمگون است، نسخه‌ای واحد نمی‌تواند برای همه استان‌ها کارآمد باشد. تنها با ترکیب ثبات اقتصاد کلان، رشد پایدار، توسعه تجارت و توجه ویژه به مناطق محروم می‌توان امید داشت که نقشه جغرافیایی فقر در ایران به تدریج دگرگون شود.

حوزه ثبت ملک ناحیه دو رشت آگهی موضوع ماده ۳ و ۱۳ آئین نامه قانون تعیین و تکلیف وضعیت ثبتی اراضی و ساختمان های فاقد سند رسمی
برابر رای هیات مندرج در پرونده ثبتی موضوع قانون تعیین و تکلیف وضعیت ثبتی اراضی و ساختمانهای فاقد سند رسمی مستقر در واحد ثبتی ناحیه ۲ رشت ، تصرفات مالکانه بلامعارض آقای محسن ملکی فرزند قدرت به میزان ششدانگ یک قطعه زمین مزروعی به مساحت ۱۸۵/۱۷۹ متر مربع به شماره پلاک فرعی ۱۹۹ مفروز مجزی از پلاک ۷۳ از اصلی ۵ واقع در قریه توسروندان بخش چهار رشت خریداری مع الواسطه از مالک رسمی محرز گردیده است. لذا به منظور اطلاع عموم مراتب در دو نوبت به فاصله ۱۵ روز آگهی می شود در صورتی که اشخاص نسبت به صدور سند مالکیت متقاضی اعتراضی داشته باشند می توانند از تاریخ انتشار اولین آگهی به مدت دو ماه اعتراض خود را به این اداره تسلیم و پس از اخذ رسید ظرف مدت یکماه از تاریخ تسلیم اعتراض دادخواست خود را به مراجع قضایی تقدیم نمایند. بدیهی است در صورت انقضای مدت مذکور و عدم وصول اعتراض طبق مقررات سند مالکیت صادر خواهد شد. م الف ۲۳۳۲ شناسه آگهی: ۲۲۱۲۶۹۱ تاریخ انتشار نوبت اول: ۱۴۰۵/۰۴/۰۲ تاریخ انتشار نوبت دوم: ۱۴۰۵/۰۴/۱۷
علی غلامعلی زاده رودکلی رئیس اداره ثبت اسناد و املاک ناحیه دو رشت

حوزه ثبت ملک ناحیه دو رشت آگهی موضوع ماده ۳ و ۱۳ آئین نامه قانون تعیین و تکلیف وضعیت ثبتی اراضی و ساختمان های فاقد سند رسمی
برابر رای هیات مندرج در پرونده ثبتی موضوع قانون تعیین و تکلیف وضعیت ثبتی اراضی و ساختمانهای فاقد سند رسمی مستقر در واحد ثبتی ناحیه ۲ رشت ، تصرفات مالکانه بلامعارض خانم ریحانه ملکی فرزند قدرت به میزان ششدانگ یک قطعه زمین مزروعی به مساحت ۲۲۰۳/۵۸ متر مربع به شماره پلاک فرعی ۱۹۸ مفروز مجزی از پلاک ۷۰ و ۷۳ از اصلی ۵ واقع در قریه توسروندان بخش چهار رشت خریداری مع الواسطه از مالک رسمی محرز گردیده است. لذا به منظور اطلاع عموم مراتب در دو نوبت به فاصله ۱۵ روز آگهی می شود در صورتی که اشخاص نسبت به صدور سند مالکیت متقاضی اعتراضی داشته باشند می توانند از تاریخ انتشار اولین آگهی به مدت دو ماه اعتراض خود را به این اداره تسلیم و پس از اخذ رسید ظرف مدت یکماه از تاریخ تسلیم اعتراض دادخواست خود را به مراجع قضایی تقدیم نمایند. بدیهی است در صورت انقضای مدت مذکور و عدم وصول اعتراض طبق مقررات سند مالکیت صادر خواهد شد. م الف ۲۳۳۳ شناسه آگهی: ۲۲۱۲۶۹۲ تاریخ انتشار نوبت اول: ۱۴۰۵/۰۴/۰۲ تاریخ انتشار نوبت دوم: ۱۴۰۵/۰۴/۱۷
علی غلامعلی زاده رودکلی رئیس اداره ثبت اسناد و املاک ناحیه دو رشت

حوزه ثبت ملک ناحیه دو رشت آگهی موضوع ماده ۳ و ۱۳ آئین نامه قانون تعیین و تکلیف وضعیت ثبتی اراضی و ساختمان های فاقد سند رسمی
برابر رای هیات مندرج در پرونده ثبتی موضوع قانون تعیین و تکلیف وضعیت ثبتی اراضی و ساختمانهای فاقد سند رسمی مستقر در واحد ثبتی ناحیه ۲ رشت ، تصرفات مالکانه بلامعارض آقای محسن ملکی فرزند قدرت به میزان ششدانگ یک قطعه زمین مزروعی به مساحت ۲۴۲۴/۱۸ متر مربع به شماره پلاک فرعی ۲۰۳ مفروز مجزی از پلاک ۷۰ از اصلی ۵ واقع در قریه توسروندان بخش چهار رشت خریداری مع الواسطه از مالک رسمی محرز گردیده است. لذا به منظور اطلاع عموم مراتب در دو نوبت به فاصله ۱۵ روز آگهی می شود در صورتی که اشخاص نسبت به صدور سند مالکیت متقاضی اعتراضی داشته باشند می توانند از تاریخ انتشار اولین آگهی به مدت دو ماه اعتراض خود را به این اداره تسلیم و پس از اخذ رسید ظرف مدت یکماه از تاریخ تسلیم اعتراض دادخواست خود را به مراجع قضایی تقدیم نمایند. بدیهی است در صورت انقضای مدت مذکور و عدم وصول اعتراض طبق مقررات سند مالکیت صادر خواهد شد. م الف ۲۳۳۰ شناسه آگهی: ۲۲۱۲۵۵۰ تاریخ انتشار نوبت اول: ۱۴۰۵/۰۴/۰۲ تاریخ انتشار نوبت دوم: ۱۴۰۵/۰۴/۱۷
علی غلامعلی زاده رودکلی رئیس اداره ثبت اسناد و املاک ناحیه دو رشت

حوزه ثبت ملک ناحیه دو رشت آگهی موضوع ماده ۳ و ۱۳ آئین نامه قانون تعیین و تکلیف وضعیت ثبتی اراضی و ساختمان های فاقد سند رسمی
برابر رای هیات مندرج در پرونده ثبتی موضوع قانون تعیین و تکلیف وضعیت ثبتی اراضی و ساختمانهای فاقد سند رسمی مستقر در واحد ثبتی ناحیه ۲ رشت ، تصرفات مالکانه بلامعارض خانم رقیه ملکی فرزند قدرت به میزان ششدانگ یک قطعه زمین مزروعی به مساحت ۲۲۰۱/۷۸ متر مربع به شماره پلاک فرعی ۲۰۰ مفروز مجزی از پلاک ۷۰ و ۷۳ از اصلی ۵ واقع در قریه توسروندان بخش چهار رشت خریداری مع الواسطه از مالک رسمی محرز گردیده است. لذا به منظور اطلاع عموم مراتب در دو نوبت به فاصله ۱۵ روز آگهی می شود در صورتی که اشخاص نسبت به صدور سند مالکیت متقاضی اعتراضی داشته باشند می توانند از تاریخ انتشار اولین آگهی به مدت دو ماه اعتراض خود را به این اداره تسلیم و پس از اخذ رسید ظرف مدت یکماه از تاریخ تسلیم اعتراض دادخواست خود را به مراجع قضایی تقدیم نمایند. بدیهی است در صورت انقضای مدت مذکور و عدم وصول اعتراض طبق مقررات سند مالکیت صادر خواهد شد. م الف ۲۳۳۱ شناسه آگهی: ۲۲۱۲۶۹۸ تاریخ انتشار نوبت اول: ۱۴۰۵/۰۴/۰۲ تاریخ انتشار نوبت دوم: ۱۴۰۵/۰۴/۱۷
علی غلامعلی زاده رودکلی رئیس اداره ثبت اسناد و املاک ناحیه دو رشت

تراژدی مهرستان

خانه‌ها برای کودکان امن نیستند!

گروه اجتماعی: انتشار خبر هولناک سقوط دو کودک خردسال به داخل یک چاه آب ۳۰ متری در روستای «کهن مگار» از توابع شهرستان مهرستان در استان سیستان و بلوچستان، بار دیگر افکار عمومی ایران را با شوکی عمیق روبه‌رو کرده است. حادثه‌ای که در روز شنبه ۱۳ تیرماه رخ داد و به مرگ میثم حسین‌زایی، کودک چهار ساله و نجات معجزه‌آسای خواهر هفت ساله‌اش، زینب، انجامید.

روایت‌های محلی حاکی از آن است که اهالی روستا پس از شنیدن صدای کمک‌خواهی از درون چاه با طناب وارد مخزن شده و زینب را زنده خارج کردند؛ اما پیکری‌بی‌جان میثم پس از تخلیه کامل آب در کنار دینام چاه کشف شد. ادعای تکان‌دهنده دخترک هفت ساله مبنی بر اینکه نامادری‌شان آنها را به درون چاه انداخته، بلافاصله مراجع قضایی را وارد میدان کرد و به بازداشت نامادری منجر شد. گرچه مقامات قضایی همچنان در حال بررسی انگیزه دقیق این اقدام هستند اما جواد نوری، رئیس حوزه قضایی مهرستان، با تأیید دستگیری متهم، این حادثه را «رفتاری مجرمانه و غیر قابل اغماض» توصیف کرد که افکار عمومی را به شدت جریحه‌دار کرده است.

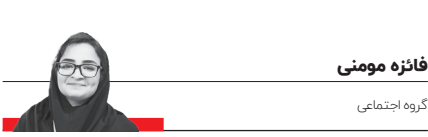
دومینوی خشونت‌های خانگی در یک ماه

تراژدی مهرستان حادثه‌ای مجزا و تک‌افتاده نیست؛ نگاهی به تقویم نشان می‌دهد که جامعه ایران تنها یک ماه پیش با یکی از وحشتناک‌ترین پرونده‌های کودک‌آزاری دهه اخیر در سمنندج دست به‌گریبان بود. در ۱۲ خردادماه، مأموران اورژانس اجتماعی و پلیس سمنندج پس از ورود به خانه‌ای در محله حاجی‌آباد، دو خواهر ۷ و ۱۵ ساله را در وضعیتی اسفبار در

جامعه

مرگ کولبران

بررسی ریشه‌های اقتصادی و بن‌بست‌های قانونی پدیده کولبری



فائزه مومنی

گروه اجتماعی

طی روزهای گذشته، انتشار اخبار مربوط به جان باختن دو تن از مرزنشینان در مناطق مرزی غرب کشور، بار دیگر توجه کارشناسان، رسانه‌ها و افکار عمومی را به پرونده پیچیده و پرمشتق «کولبری» جلب کرده است. روز دوشنبه ۱۵ تیرماه، سیروان خوشنمک، جوان ۱۸ساله اهل روستای «دوومال» مریوان، حین حرکت در ارتفاعات مرزی «ویسه» هدف شلیک قرار گرفت و جان خود را از دست داد. این حادثه تنها سه روز پس از رویدادی مشابه در مرز نوسود رخ داد که در جریان آن، وزیر رحیمی، مرد ۵۷ساله و پدر پنج فرزند اهل روانسر، جان باخت. انتشار ویدئویی از سوی سوما رحیمی، دختر ۲۵ ساله این کولبر میانسال در فضای مجازی، بازتاب گسترده‌ای داشت. او در این ویدئو با اشاره به پیشینه ۲۰ ساله فعالیت پدرش برای تأمین مخارج خانواده، مدعی شد که وی در لحظه وقوع حادثه هیچ باری به همراه نداشته است. وقوع این دو حادثه متوالی، بار دیگر این پرسش ساختاری و مدیریتی را پیش روی سیاست‌گذاران و ناظران اجتماعی قرار می‌دهد: چرا با وجود تدوین قوانین متعدد، بازنگری در دستورالعمل‌ها و اختصاص بودجه‌های کلان برای «ساماندنی تجارت مرزی» چرخه رفتارهای قهری و حوادث ناگوار در مرزها متوقف نمی‌شود و طرح‌های حمایتی گمرکی هنوز نتوانسته‌اند، امنیت معیشتی مرزنشینان را تضمین کنند؟

کارکرد موازی شبکه غیررسمی در اقتصاد تحریم‌زده

از منظر تحلیل‌های کلان اقتصادی، شبکه‌های مبادلاتی غیررسمی در شرایط عادی به‌عنوان بسترهای اخلاک‌گر بازار شناخته می‌شوند؛ اما در جغرافیای اقتصادی ایران که بیش از یک دهه است تحت سنگین‌ترین محدودیت‌های بین‌المللی و انسدادهای مالی قرار دارد این پدیده کارکرد متفاوتی پیدا کرده است. تحدید زنجیره‌های رسمی تأمین و ممنوعیت‌های گسترده وارداتی، لایه‌های مختلفی از بازار داخلی را با خطر کمبود شدید کالا مواجه کرده و در این میان شریانات غیررسمی مرزی به‌عنوان یک سوپاپ اطمینان عملیاتی،

سرویس بهداشتی خانه پیدا کردند. این دو دختر ماه‌ها توسط پدر و نامادری خود تحت شکنجه شدید قرار داشتند به‌طوری که دختر ۱۵ ساله به دلیل شکستگی‌های متعدد در ناحیه فک، صورت، ران و لگن تحت جراحی‌های سنگین قرار گرفت. در آن پرونده نیز نامادری پس از فرار دستگیر شد و به همراه همسرش با قرار بازداشت به زندان رفت. حتی مداخله استاندار کردستان برای اهدای مسکن به مادر واقعی کودکان و سلب حضانت از پدر، نتوانست خشم عمومی عمیق شهرهای کردستان را تسکین دهد. فعالان مدنی با یادآوری مرگ تلخ «نیان چلبیانی» دختر ۶ساله اهل بوکان در دی ماه ۱۴۰۳ که منجر به تجمع اعتراضی شهروندان مقابل فرمانداری شد، هشدار می‌دهند که شیب خشونت‌های خانگی علیه کودکان در ایران به شکلی نگران‌کننده در حال صعود است.

بازتولید خشونت در بسترهای حاشیه‌ای

از منظر جامعه‌شناسی، تکرار این فجایع در مناطقی چون سیستان و بلوچستان یا محله‌های حاشیه‌ای سمنندج، پیوند معناداری با ساختارهای کلان اقتصادی و فرهنگی دارد. فقر ساختاری، نرخ بالای بیکاری، فقدان آموزش‌های تاب‌آوری اجتماعی و ناتوانی شبکه‌های حمایتی در مناطق دورافتاده، خانواده را از یک «نهاد امن» به کانون بازتولید خشونت تبدیل می‌کند.

در این میان، نظام حقوقی و سنتی حضانت در ایران خود یکی از کاتالیزورهای ناامنی برای فرزندان طلاق است. در پرونده سمنندج، مادر واقعی کودکان پیش از فاش شدن شکنجه‌ها، بارها برای دریافت حضانت و حتی ملاقات



موقت با فرزندانش اقدام کرده بود اما ساختار قانونی، درخواست‌های او را رد کرده بود. صلبیت قوانین در اعطای اولویت حضانت به پدر، حتی در مواردی که علائم بی‌صلاحیتی یا ازدواج مجدد همراه با تنش (ورود نامادری یا ناپدیری) وجود دارد، کودکان را در موقعیت «بی‌پناهی مطلق» در برابر آزارهای خانگی قرار می‌دهد.

بن‌بست‌های قانونی اعلام جرم

ابعاد پنهان این بحران زمانی آشکارتر می‌شود که به آمارهای خاکستری نگاه کنیم. دکتر مهدیه صالحی، فوق تخصص روان‌پزشکی کودک و نوجوان و عضو هیأت علمی دانشگاه علوم پزشکی ایران، در تحلیلی انتقادی هشدار می‌دهد که بخش اعظم قربانیان کودک‌آزاری در ایران هرگز در آمارهای رسمی دیده نمی‌شوند. به گفته او بسیاری از این سوءاستفاده‌های جسمی، عاطفی و جنسی به عنوان یک «راز خانوادگی» دفن می‌شوند.

صالحی صراحتاً در گفت‌وگو با ایلنا به دو چالش عمده اشاره می‌کند: نخست کتمان والدین و حتی ارباب کودکان؛ کما اینکه دو دختر سمنندجی به دلیل تهدیدهای پدر و نامادری، ابتدا آزارها را کتمان کرده و با مددکاران رفتار تندی داشتند که همین امر روند نجات را کند کرد. دوم، «مهم بودن قوانین حمایتی» و فقدان مصونیت حقوقی برای ناظران است. در ساختار درمانی

طریق کارگزاری‌های مجاز وزارت صمت در این مناطق تعریف شده تا عواید حاصل از ترخیص کالا صرف توسعه زیرساخت‌ها و حمایت از مرزنشینان شود.

چرا طرح‌های ساماندنی در مرز قفل می‌شوند؟

با وجود این ارقام مصوب و بسته‌های اصلاحی، تکرار حوادث ناگوار در خطوط صفر مرزی نشان‌دهنده یک گسست عمیق میان «متون قانونی در پایتخت» و «واقعیات روی زمین در کوهستان» است. کارشناسان سه چالش عمده را علت اصلی بن‌بست طرح‌های ساماندنی می‌دانند:

- نبود زیرساخت‌های اداری و گمرکی: در بسیاری از مناطق مرزی غرب کشور، بستر لجستیکی و کارگزاری‌های رسمی مورد نیاز برای ثبت آماری کالاها و اظهار گمرکی فراهم نیست.
- پیچیدگی‌های بروکراتیک: فرآیندهای اداری طولانی و زمانبر برای ترخیص کالا، انگیزه فعالان محلی را برای استفاده از مسیرهای رسمی کاهش می‌دهد.
- تعدد دستگاه‌های تصمیم‌گیر: نبود یک متولی واحد و مدیریت هماهنگ میان گمرک، وزارت صمت، نهادهای امنیتی و مرزبانی عملاً فرآیند اجرای سیاست‌های حمایتی را با کندی یا ابهام مواجه کرده است.

در نتیجه این انسدادها، بخشی از سهمیه‌های قانونی در نظر گرفته شده بدون استفاده می‌ماند؛ موضوعی که مرزنشینان فاقد درآمد را ناچار می‌کند برای تأمین معیشت فوری خود مجدداً به همان راه‌های قدیمی، غیررسمی و پرخطر کوهستانی پناه ببرند.

کشته شدن کولبر، قاچاق را متوقف نمی‌کند

جان باختن یک نوجوان ۱۸ساله یا پدري ۵۷ ساله با پنج فرزند نمودی عینی از ضرورت بازنگری در مدل‌های مواجهه با آسیب‌های اجتماعی-اقتصادی در مناطق حاشیه‌ای است. تحلیل‌گران تأکید می‌کنند، پدیده کولبری برآمده از یک انتخاب رفاهی یا تمایل به اخلاล در نظام اقتصادی نیست بلکه واکنشی ناگزیر به فقر ساختاری، نرخ بالای بیکاری و عدم توسعه‌یافتگی مناطقی است که از چرخه سرمایه‌گذاری‌های کلان کشور جانده‌اند. تجربه سال‌های گذشته به وضوح نشان داده که مسئله کولبری تنها با رویکردهای محدودکننده، انسداد فیزیکی مرزها و برخورد‌های سخت‌افزاری قابل حل نیست؛ چراکه این اقدامات بدون تغییر ریشه‌ها، تنها صورت مسئله را پاک می‌کند. برخورد با فرد کولبر- به‌ویژه در شرایطی که بدون بار حرکت می‌کند- کمکی به توقف شبکه‌های سازمان‌یافته قاچاق نخواهد کرد.



ایران، پزشکان و کادر درمان به دلیل خلأهای قانونی شفاف در بسیاری از موارد از گزارش دادن ظن جدی خود به کودک‌آزاری خودداری می‌کنند چراکه نگران تبعات حقوقی یا درگیری با اولیای دم و سرپرستان قانونی کودک هستند.

بازنگری در ساختار مداخله

مداخلات پسینی و جنجالی دولتی – مانند اهدای مسکن توسط استاندار کردستان یا دستورات «بدون اغماض» مقامات قضایی در مهرستان – گرچه برای التیام موقت عواطف جریحه‌دار شده جامعه لازم است اما هرگز نقش یک راهبرد پیشگیرانه را ایفا نمی‌کنند. اورژانس اجتماعی (شماره ۱۲۳) در ایران به‌رغم تلاش‌های لجستیکی معمولاً زمانی وارد مأموریت می‌شود که کار از لایه‌های پنهان گذشته و به فاز جنایت یا گزارش‌های مکرر همسایگان رسیده است.

تسا زمانی که «قانون حمایت از اطفال و نوجوانان» دستخوش یک بازنگری رادیکال نشود، حق اعلام جرم برای سازمان‌های مردم‌نهاد تسهیل نگردد، نظام آموزش و پرورش به سیستم غربالگری روزانه سلامت روانی کودکان مجهز نشود و از همه مهم‌تر اولویت مطلق و سنتی حضانت پدر بر منافع عالیه کودک سایه افکنده باشد، چاه‌های مهرستان و زیرزمین‌های سمنندج همچنان پناهگاه‌های تاریک کودکان آسیب‌دیده خواهند بود.

معیشت

نانِ خیلی گران

اصلاح یارانه یا فشار تازه بر سفره مردم؟

افزایش ناگهانی قیمت نان در تهران و برخی استان‌ها، بار دیگر موضوع سیاست‌گذاری در بازار یکی از مهم‌ترین کالاهای مصرفی خانوارها را به صدر بحث‌های اقتصادی آورده است. نان که همواره یکی از ارزان‌ترین و در دسترس‌ترین اقلام غذایی برای دهک‌های پایین درآمدی بوده اکنون با افزایش قابل‌توجه قیمت روبه‌رو شده است؛ افزایشی که دولت آن را اصلاح نرخ و مقابله با رانت و اتلاف منابع عنوان می‌کند. براساس نرخ‌های جدید، قیمت نان لوش از هزار و ۴۰۰ تومان به ۲ هزار و ۷۰۰ تومان، بربری از ۵ هزار و ۳۰۰ هزار تومان به ۱۰ هزار تومان، تاتفون از ۲ هزار و ۳۰۰ تومان به ۴ هزار و ۵۰۰ تومان و سنگگ از ۷ هزار و ۴۰۰ تومان به ۱۵ هزار و ۵۰۰ تومان رسیده است. این تغییرات در برخی اقلام، قیمت نان را تا نزدیکی دو برابر افزایش داده است. دولت معتقد است، ادامه پرداخت یارانه به‌آرد به‌جای حمایت مستقیم از مصرف‌کننده، زمینه ایجاد رانت و فروش غیرقانونی آرد را فراهم کرده است. محمدرضا خواجه، مجری پروژه احیای نان کامل کشور، با اشاره به هزینه بالای یارانه نان می‌گوید، آرد دولتی ۱۰۰ هزار تومانی در بازار آزاد تا یک و ۱.۵ میلیون تومان معامله می‌شود. به گفته او، بودجه مرتبط با گندم، آرد و نان از ۲۵۰۰ همت در سال گذشته به حدود ۵۰۰ همت رسیده و برای جلوگیری از هدررفت این منابع باید یارانه به‌جای حلقه تولید و توزیع به مصرف‌کننده پرداخت شود. در مقابل ناتوایان معتقدند، قیمت‌های قبلی با هزینه‌های واقعی تولید همخوانی نداشت. افزایش دستمزد کارگران، اجاره واحدهای صنفی، بیمه، انرژی، حمل‌ونقل و سایر هزینه‌های جاری، فشار زیادی بر این بخش وارد کرده است. کارشناسان حوزه نان نیز تأکید دارند، سهم آرد یارانه‌ای در قیمت تمام شده نان تنها حدود ۵ تا ۶ درصد است و بخش اصلی هزینه‌ها به سایر عوامل تولید بازمی‌گردد. با این حال نگرانی اصلی به تأثیر این افزایش بر معیشت خانوارها بازمی‌گردد. در شرایطی که قدرت خرید مردم کاهش یافته، افزایش قیمت نان می‌تواند فشار بیشتری بر دهک‌های پایین وارد کند. دولت وعده داده با تغییر نظام یارانه‌ای و تقویت نظارت از مصرف‌کنندگان حمایت کند؛ اما تجربه سال‌های گذشته نشان می‌دهد بدون اصلاح همزمان نظام تولید، توزیع و نظارت، افزایش قیمت‌ها به تنهایی نمی‌تواند مشکلات بازار نان را حل کند.

